

موقعیت زیبایی‌شناختی و اجتماعی فضاهای سینمایی بر اساس نظریات والتر بنیامین

چکیده

امروزه سینما یکی از مهمترین سرگرمی‌های افراد در جوامع است. نوعی سرگرمی که با هنر و فضای هنری و زیبایی‌شناختی عجین شده است. بررسی مقوله زیبایی‌شناختی فضاهای سینمایی براساس نظریات مدرن می‌تواند در ایجاد درک نوین از این هنر و کاربردهای آن مؤثر باشد. تحقیقات میان رشته‌ای، فضایی را بین رشته‌های مشارکت‌کننده ایجاد می‌کند و بر حیطه‌های هم‌پوشانی میان رشته‌ها تمرکز می‌کند. پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای به رشته تحریر درآمده است. در این تحقیقات، روابط کاملاً نسبی و طرفین مشارکت‌کننده می‌توانند از فرضیات و میانی رشته‌ای دخیل، به تناسب بهره‌مند شوند. شهر و سینما به‌عنوان دو محصول مدرنیته دارای تشابهات و وجوه اشتراکی هستند که زمینه مطالعات بینارشته‌ای را فراهم می‌آورد. یکی از خصوصیات مدرنیته ایجاد شخصیت پرسه‌زن در شهر است، پرسه‌زن فردی است که با فراغت بال در شهر قدم می‌زند و بدون هیچ هدفی به کشف می‌پردازد. تماشاگر سینما را نیز می‌توان به نوعی پرسه‌زن در دنیای فیلم دانست، وی در فرآیند تماشای فیلم در دنیایی دیگر سیر می‌کند دنیایی که آغاز و پایان مشخصی ندارد و مسیر آن از طریق زوایای دوربین و نگاه کارگردان شکل می‌گیرد.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی سینما به‌عنوان یک سرگرمی در جوامع مدرن.
۲. کشف موقعیت‌های زیبایی‌شناختی و اجتماعی فضاهای سینمایی براساس نظریات والتر بنیامین.

سؤالات پژوهش:

۱. فضاهای سینمایی چه نقشی می‌توانند در ایجاد سرگرمی در جوامع مدرن داشته باشند؟
 ۲. زیبایی‌شناختی و موقعیت‌های اجتماعی براساس نظریات والتر بنیامین چه جایگاهی در فضاهای سینمایی دارند؟
- کلیدواژه‌ها:** فضاهای سینمایی، والتر بنیامین، مدرنیته، پرسه‌زنی.

مقدمه

در سال‌های اخیر، بررسی رابطه سینما، معماری و شهر به یکی از مباحث راهگشا در جهت شناخت فرهنگ مدرنیته تبدیل گشته است. این مباحث به خصوص در میان افرادی که تلاش می‌کنند "تزدرنیته" را در تئوری فیلم بسط دهند، بسیار مطرح می‌باشد. ارتباط پیچیده سینما با دیگر تمارین و فعالیت‌های پیش سینماتیک، و یا فعالیت‌های هم‌دوره و موازی ظهور سینما از جمله مشخصه‌های فضایی شهر مدرن، ساختارهای معمارانه نوظهور و جنبش‌های هنری مدرن برخاسته از مدرنیته شهری، که بر ظهور سینما تأثیر گذاشتند و یا از سینما تأثیر گرفتند، نکته‌ای است که تئوری فیلم مدرنیته محور بر آن تا کید می‌کند. مطمئناً یکی از مهم ترین دلایل جذابیت نقش مایه‌های شهری برای نخستین فیلمسازان، واقعیت عینی و قابل فهم این فضاها برای ایشان بوده است. نخستین فیلم همچون نخستین عکس‌ها چیزی بیش از مستندهایی واقعی و زندگی نگارانه نبودند و کوشش چندانی برای بلاغت زیبایی‌شناختی در آن‌ها دیده نمی‌شد. این مسیر بسیار بیش از حقه‌های نمایشی مه‌لی‌لیس به معرفی و توصیف فضای شهری نزدیک بود و کم و بیش تصاویر حاشیه نقشه‌های جغرافیایی و معماری کهن را به یاد می‌آورد. نظریه‌پردازان فیلم با انتقاد از تمایل برای نگریستن به حوزه فیلم به‌مثابه شبکه‌ای جدا و به‌مثابه حیطه‌ای مستقل، پیشنهاد می‌کند مطالعات فیلم باید در بستری مشترک با سایر حیطه‌های مطالعات اجتماعی قرار گیرد. این نظریه‌پردازان با انتقاد از گرایش مسلط بر تئوری فیلم سال‌های اخیر در خوانش فیلم به مثابه سیستم متنی و نادیده انگاشتن دیگر ظرفیت‌های مدیوم، بر بازیابی سینما مبنی بر جنبه‌های فضایی تأکید می‌کند. (Furniturance&Shiel, ۲۰۰۱) متأثر از این مباحث، در سال‌های اخیر، موضوع ارتباط میان تئوری فیلم و تئوری معماری، توجه نظریه‌پردازان بسیاری از هر دو حوزه را به خود معطوف نموده است. این نظریه‌پردازان بر تأثیر و نفوذ مفاهیم سینمایی بر نظریه‌های معماری و شهر و راهکارهای به کارگیری ظرفیت‌های رسانه سینما در راستای غنی سازی تئوری معماری و نظریه‌های شهری تأکید می‌نمایند. در پروژه پاساژها، والتر بنیامین اشاره می‌کند که "همه مسائل هنر معاصر تنها در رابطه با سینما است که به صورت بندی نهایی خود می‌رسند.

جولیان برونو در کتاب "اطلس احساسات: سفری در هنر، معماری و فیلم" سابقه این رابطه را در نیمه آغازین سده بیستم و نظریه‌های معماری مدرن ریشه‌یابی می‌کند (Bruno ۱۹۹۳)، امروزه نیز این تأثیر در آثار بسیاری از معماران مطرح معاصر آشکار است. آنچنان که آنتونی ویدلر در کتاب "فضای معوج گشته: هنر، معماری و اضطراب در فرهنگ مدرن" (vidler, ۲۰۰۰)، و همچنین ریچارد کوک در کتاب "منظره‌ای سینماتیک: فضاها سینمایی در معماری و شهرها" (koeck, ۲۰۱۲)، بحث می‌کنند. در مهمترین گرایش‌های معماری معاصر به راحتی می‌توان نفوذ نگره سینماتیک را مشاهده کرد. همچنین در رابطه با مبحث اندیشیدن سینمایی می‌توان از آثار ژیل دلوز فیلسوف پسا ساختارگرای فرانسوی یاد کرد. دلوز در دو اثر سترگ خود، "سینما ۱: حرکت - تصویر" و "سینما ۲: زمان - تصویر"، از منظری فیلسوفانه به تحلیل آثار سینمایی می‌پردازد. همچنین در کتاب "سینمایی فکر کردن: رویکردهای فلسفی به سینمای نو" (Philips, ۲۰۰۸)، مجموعه مقالاتی گرد آمده است که برخی از فلاسفه معاصر به کاوش در ماهیت فلسفی آثار فیلمسازانی چون آلفرد هیچکاک، لوچینو ویسکونتی، میکال انجلو آنتونیونی و ویموندس می‌پردازند و می‌کوشند ظرفیت‌های این آثار را در شکل‌دهی به گونه‌های نوین اندیشیدن آشکار سازند.

تحقیقات میان رشته‌ای، فضایی را بین رشته‌های مشارکت‌کننده ایجاد می‌نمایند و بر حیطه‌های هم پوشانی میان رشته‌ها تمرکز می‌کنند. در این تحقیقات، روابط کاملاً نسبی هستند و طرفین مشارکت‌کننده می‌توانند از فرضیات میان رشته‌ای دخیل، به تناسب بهره‌مند شوند. مطالعات میان رشته‌ای، با بسط دادن مرزهای دانش، امکان بررسی پدیده‌های مختلف را با پرسپکتیوهای متنوعی که از رشته‌های مختلف به دست می‌آیند، فراهم می‌کنند و با گشایش مرزهای سنتی رشته‌ها به روی یکدیگر، پتانسیل‌های هریک از حیطه‌های مشارکت‌کننده را بسط و گسترش می‌دهند. از این رو، رویکرد میان رشته‌ای با مواجهه ساختن به جنبه‌های خاموش و از نظر دور مانده، امکان گذار و تخطی از قالب‌بندی‌های خشک و مرزبندی‌های تثبیت شده را فراهم می‌سازد.

نتیجه‌گیری

همراه به شکل‌گیری شهر مدرن و پیدایش مفاهیم جدید آن، سینما نیز به عنوان هنری مدرن از این مفاهیم تأثیرپذیر بوده است. یکی از تولیدات شهر مدرن شخصیت "پرسه زن" یا "فلانور" است. گاه سینما سعی بر استفاده از این مفهوم در قالب نحوه روایت دارد و گاه تماشاگر خود با تماشای فیلم قدم به این عرصه می‌گذارد. حرکت و آغازی بی مقصد و هدف همانند پرسه زنی در شهر در سینما توسط تماشاگر تجربه می‌گردد و مسیر او با حوادث و از دریچه نگاه کاگردان تعیین می‌گردد. این سیر و کشف در فضای سینماست که تجربه تماشای فیلم را در حد تجربه واقعی بالا می‌برد تا جایی که فرد دستخوش احساسات و جریانات فیلم قرار دارد و تمام حواس او در فیلم درگیر می‌شود.

در برخی فیلم‌ها همانند نمونه مورد مطالعه، روایت و ساختار فیلم بر "پرسه زنی" بنا شده است. در فیلم‌هایی از این دست فضای شهر مدرن و مخاطرات و تبعات آن موضوع اصلی قرار دارد و نه قصه گویی. به گونه‌ای می‌توان این نوع فیلم را مستندی داستان‌گونه از پرسه‌زنی در شهر دانست و از این حیث جایگاهی خاص بدر مباحث میان رشته‌ای برای آن قائل شد.

منابع:

- آزاد ارمکی، تقی؛ امیر، آرمین. (۱۳۸۸). "بررسی کارکردهای سینما در ایران پس از انقلاب اسلامی و مجادله بر سر خود سینما"، مجله مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره ۲۵، ۷۱-۹۶.
- آزاد ارمکی، تقی؛ خالق پناه، کمال. (۱۳۹۰). "سینما درباره سینما: متاسینما در سینمای ایران پس از انقلاب اسلامی و مجادله بر سر خود سینما"، مجله مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره ۲۵، صص ۷۱-۹۶.
- اسلامی، مازیار. (۱۳۹۴). صحنه‌هایی از یک ازدواج: ملاحظات درباره فضا و شهر در سینما، تهران: انتشارات حرفه هنرمند: تهران.
- اسحاق‌پور، یوسف. (۱۳۸۹). سینما: گزارشی برای درک، جستاری برای تفکر، ترجمه: باقر پرهام، تهران: انتشارات فروزان.
- الکساندر، ویکتوریا. (۱۳۹۳). جامعه‌شناسی هنرها، ترجمه: اعظم راوودراد، تهران: انتشارات موسسه تالیف و ترجمه و نشر آثار هنری.

اوژنه، مارک. (۱۳۸۷). نامکان‌ها درآمدی بر انسان‌شناسی سوپرمدرنیته، ترجمه: منوچهر فره‌مند، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

پنز، ف و تامس، م. (۱۳۹۲). معماری و سینما. ترجمه: شهرام جعفری‌نژاد، تهران: انتشارات سروش.
جاروی، آی سی. (۱۳۷۹). "جامعه‌شناسی و سینما: ارتباط کلی سینما و جامعه‌شناسی با جامعه‌شناسی رسانه"، ترجمه: اعظم راودراد، نشریه فارابی، شماره ۳۸، صص ۵۶-۳۹.

خوشبخت، احسان. (۱۳۸۸). معماری سلولویید، تهران: انتشارات کسری.
خوهرسندی طاسکو، علی. (۱۳۸۷). "گفتمان میان رشته‌ای دانش: گونه‌شناسی مبانی نظری و خط مشی‌هایی برای عمل در آموزش عالی"، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
رامین‌فر، ایرج. (۱۳۸۲). "طراحی صحنه: ایجاد فضای استعاری"، ششمین جلسه نشست پژوهشی طراحان صحنه، مجله نمایش.

دلوز، ژیل؛ گاتاری، فلیکس. (۱۳۸۷). ریزوم، به سوی پسامدرن: پساساختارگرایی در مطالعات ادبی، تدوین و ترجمه: پیام یزدانجو، تهران: انتشارات مرکز.

دووینو، ژان. (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی هنر، ترجمه: مهدی سبحانی، تهران: نشر مرکز.
محمدپور، احمد؛ ملک صادقی، مریم. (۱۳۹۱). "مطالعه نشانه‌شناختی بازنمایی زن در فیلم‌های سینمایی ایران"، مجله مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره ۲۹، صص ۷۰-۴۱.

منل، باربارا. (۱۳۹۵). شهرها و سینما، ترجمه: نوید پور محمد رضا، نیما عیسی پور، تهران: نشر بیدگل.

Koeck, R. (۲۰۱۲). "cine-spaces: cinematic space in Architecture and Cities", London: routledge.
Benjamin, W. (۱۹۹۹). "paris, capital of the nineteenth century: Expose of ۱۹۳۹", the arcades project, Cambridge, MA: Harvard university press, ۱۴-۲۶.
Hake, S. (۱۹۹۴). "Urban spectacle in walter ruthman's Berlin: Symphony of the big city"; in T.W.Kniesche and S.Brockmann (eds) dancing on the volcano: Essay on the culture of the Weimar republic, SC: cumden house, ۳۷-۱۲۷.
Vidler, A (۲۰۰۰). "Warped space: Art, Architecture, and Anxiety in modern culture", Cambridge MIT press.
Bruno, G. (۱۹۹۳). "Street walking on ruined map: cultural theory and the city films of Elvira Notari. Princeton : Princeton university press.
Philips, J. (۲۰۰۸). "Cinematic thinking: Philosophical approach to the new cinema", Stanford: Stanford university press.
Sheil, M & Fitzmaurice, T. (۲۰۰۱). "Cinema and the city : film and urban societies in a global context, oxford Blackwell publisher.
Philips, J. (۲۰۰۸). "Cinematic thinking: Philosophical approach to the new cinema", Stanford: Stanford university press.
Souza, A., & Mc Donough, T. (۲۰۰۶). The invisible Flaneur The invisible Flaneur, London, Manchester, London, Manchest